ادامه از صفحه ۷

قانون ویژ، جنون سرمایه و منطق تصویر

حمایرکسی تواملی بـه مثابه تملک زخمی (در قالب عبـارت مال من و در مقام گشایند جامعه مدنی) و ایجاد قلعـهٔ مقدس (انجیل که تبر از آن برده برمی‌دارد) بنیان حاکمیت مدرن است. وندی برلون بااشاره به این نقطه آغازین، با مرور دیوارهای بلوک‌ها و سیم‌خارارهای بیشمرشان که امروز بی‌وقفه در مرزها کار گذاشته می‌شوند، این سؤال را طرح می‌کند که آیا در تاریخ نقدیر ما سرکوب و سـوگواری، با پرچم‌ها و حصارها نیست؟ اما این اصرار موکد اخیر دولت‌ها بر دیوارکشـی مرزها در مقام نوعی تذکر الهیاتی وایسـن از خطـه و سـنی و بی‌رمقی ایده دولت-ملت مبتنی بر زمین خبر نمی‌دهد؟ یا ظهور دوباره مرزها در مقام امر توامان قیصری و سکولار، از تغییرشکل یا الحاق حاکمیت سیاسی به شکل موجود آن خبر نمی‌دهد؟ یا تلاش‌هایی که عبور از آنها وضعیت سیاسی تازه‌ای را پیش روی ما خواهند گشود خود همین مرزهای جغرافیایی نیستند؟

قطعیت بنوئی دیوار حایل در سـرزمین اشـغالی، اسـتعلای دیوار امنیتی در مرز عربسـتان، عراق و... و پیش از آنها قطعیت و شفافیت کارتوگرافیک مرزها در نقشـه‌های علمی جدید جهان که برخاک نقشـه‌های قرون وسطایی از روایت‌های جزیی و نشانه‌های سرراست ایدئولوژیک حکایت و الهامی ایدی را بازنمایی می‌کنند؟ علاوه بر سـنتی ایده دولت-ملت، بر وجود نوعی منطقه برزخی اپهام و عدم تعیین میان بیرون و درون سرپوش می‌گذارد که در قرن گذشته مفهوم‌ها نظم را در مرز حیوانیت و انسانیت به کام مرگ کشاند. در پایان جنگ جهانی اول با تحولات روسیه و فروپاشـی امپراتوری عثمانی و تغییرات سیاسی-جغرافیایی متعاقب جنگ، جهان برای اولین‌بار شاهد حضور پناهندگان به مثابه پدیده‌ای اجتماعی بود در مدیترانهی کوتاه یکونیمه‌میلیون‌نفر از روسـیه سـفید ۵۰۰هزار نفر از بلغارسـتان، یک میلیون یونانی، و صدها هزار آلمانی، مجار و رومانیایی در مرز کشورهایشان شدند. کوتاه‌زمانی بعد، در نتیجه قوانین نژادی در آلمان مسـاله یهودیان و جنگ داخلی در اسپانیا، بر تعداد این مهاجران سـرگردان در اروپا افزوده شـد. میلیون‌ها نفر در اروپا آواره شـدند و با از دست دادن نسـبت‌های شـهروندی و ملی‌شان، حقوقی را که غیرقابل انتقال یا فسخ تعبیر می‌کردند، بعـد حقوق اساسی‌شان را از دست دادند. راحل هینکلر برای مساله یهود، تقلیل یهودیان آلمانی به سطح قلبتی به رسمیت شناختهشده و سـپس رانده‌کردن آنها به عنوان مردمانی بدون دولت به آن سوی مرزها و در نهایت جمع‌کردن آنها در اردوگاه‌ها و وثاله ساختن به اردوهای کار اجباری، کلاسـی آموزشی بود برای باقی جهان که چگونه می‌توان مسـاله قلبت‌ها را حل‌وفصل کرد. مسـئله دیگر در تاریخ ما، ارمنی‌کشـی در ترکیه و الی آخر، فلسطین به کار گرفته شد و به اشکال دیگر و خفیف‌تر در دسـتور کار بسـیاری از دولت‌ها قرار گرفت.

بنابـر آنچه قلبا آرنـت می‌نویسـد «اوگران»، با از دسـت دادن حقوق شهروندی‌شان کسـلی هسـتند که حق دسترسی به حقوق را از دست دادهاند. موضوع نیست که قلبن یا اوگران، سـاید با دیگران برتابند این نقطه آغازین، با نیست که قلبنی برای آنها وجود ندارد. مسـاله این نیسـت که آنها مورد ستم قرار گرفته‌اند، بل آن اسـت که آنها حتی کسـانی هستند که بازگرداندن یا بلوس‌کردن اوگران/بنانه‌هدکان هیچ کدام خلأ قلبنی موجود در مورد آنها را نمی‌پوشانند و پر نکند.

اسـاد اگر وقلبیینی آرنت به کسـلی عمل‌گرایانه ضرورت عضویت ملی و تعلق به فضای جغرافیایی را به‌عنوان پیش‌شرط دسترسی به حقوق بیش‌رو می‌گذارد به شـکلی بنیادی بدهت و ارتباط وثیقی برتدید در تطابق به ظاهر ضروری میان تولد در یک قلمرو جغرافیایی و شـهروندی سـیاسـی و پرسـش از «چرایی» حاکمیت سـیاسی و مالکیت جغرافیایی، و درهم‌تنیدگی جغرافیا و قلبت، وبه چالش‌کشـیدن ایده دولت-ملت مبتنی بر زمین را گوشزد می‌کند؛ به عبارت دیگر خود قلبنـه‌ای ایده‌دیرتری و تجربیات محلی و محدود عمل برای مسافران آینده اسـت مسافرانی که از قلب تصاویر بزرگ‌تر پیش‌رو می‌آیند در گردش سرمایه اختلال ایجاد می‌کنند، و با عبور از دیوار حایل گرایه باخدری در تقسیم متحد می‌شوند.

سهند ستاری

**اعتراضات اخیر در ترکیه و مداخله مردم در وضع موجودشان به سـوژه جمعـی سیاسـی را در خیابان‌ها و میادین ترکیه شـکل داد خبر از ریشـه خاستگاه اولیه این شورش می‌داد که در پی تحدیدن اعتراض صلح‌آمیز شکل گرفته بود. اعتراضات درنهایت با اقدام دولت اردوغان در تخریب پارک گزی خصمی مشـترک علیت و ارادگاه مردم در برابر ارادگاه دولت در دوره اول قرار داد که همان «ما دو بخش متخاصم و آشـتی‌ناپذیر وضعیت بودند. شورش مردم ترکیه از تحمین‌های ساده، مسـاله‌آمیز و اعتراضی زیست‌محیطی به تخریب یک پارک به بهانه ساخت مگ‌مر خرید آغاز شـد و چه به لحاظ حجوم چه به دامنه خواسته‌ها به سرعت گسـترش یافت و چندین شهر و میلیون‌ها شهروند را با خود درگیر و همراه کرد و مرکزیت و مطالبات‌شـان تا اسـتعفای دولت اردوغان پیش رفت. چراکه هنوز فضـل مشـترک همه نارضایتی‌ها مخالفت با اقتدارگرایی دولت اردوغان بود. گسـترش جنبش، نشانگر حجم کثیری از خشـم و خصم و نارضایتی فروخفته‌ای بود که با تکثرای شـعار، «آشن زیر خاکستر، را جان بخشید. اگر نفس این اعتراضات و بازار شکل‌گیری آن را کنار هم بچینیم، خیزش و شورشی را که در پی اعتراض به تخریب پارک گزی تقسـیم صورت گرفت، بر غیر حمایت‌ها و رهبری ظاهری جنبش‌های محیط‌زیسـتی، نمی‌توان تنها با قاعده‌ها و اهمیت زیسـت‌محیطی خواند. البته به‌طبیعی‌تر نمی‌توان آرمان حفاظت و وفاداری به فضاهای عمومی مشترک (public spaces) و مقاومت در برابر تصاحب و بلعیدن این فضاها توسط سرمایه‌داری جهانی و محلی را در من‌آمین خیزش نادیده گرفت. جنبش ترکیه مجموعه‌های ناهمگن، متکثر و چندصدایی است که در آن جنبش زنان و دانشجویان، اکولوژیست‌ها، احزاب چپ و آنارشیسـت‌ها و حتی ناسیونالیسـت‌ها و جریان‌های دیسـراسی با پایگاه طبقاتی متوسط و بالا نیز حضور داشتند و به سبب فرم و عمل سیاسی و نحوه سازماندهی این اعتراضات همان طور که در جنبش‌های با فرمی مشابه در سال‌های اخیر دیده شد، فرمتی برای سیاسی‌شدن جوانانی پدید آورد که اساسـا تعلقات سیاسی نداشـتند؛ جنبشـی که در آن، همه مردم از اعضای حزب کمونیسـت، مسـلمانان ضدسـرمایه‌داری، جبهه‌های سوسـیالیست انقلابی، فعالان اتحادیه‌های کارگری، احزاب کارگری تا حزب جمهوریخواه خلق (ناسیونالیست‌های سوسـیال‌دموکرات) حضور داشـتند. انتقادات اخیر ترکیه را می‌شـد بخشی از مقدمات تحقق سیاسـت مردمی در متن مبارزه و اعتراضات ترکه دانسـت؛ یک مقاومت تخریب‌گرایانه در برابر هر تلاشی که بناسـت علیه آنها را در اصلی منفرد محبوس کنند. دولت اردوغان که برنامه‌های حزب/عدالت و توسعه، را البته با خودکامگی خاص خود، نمایندگی می‌کند؛ در تمام این سال‌ها در مقام الگویی بی‌بدیل برای کشورهای مسلمان معرفی شـده و حتی به انویهای اصلاح‌طلبان خاورمیانه بدل گشـته اسـت. الگویی که توانسـته، به‌مدد قوطقیه‌ریه دولتی، اقتدارگرایی را با نئولیبرالیسـمی بی‌شکل و بلاموضوع پیوند بزند. برای واکاوی هر چه صحیح‌تر تحولات کنونی ترکیه که عجالتا در سـکوت به سـر می‌برد به سـراغ توفج آتایکی رفتیم و ریشه خواسـت‌های مردم و زمینه‌های شـکل‌گیری این جنبش و چگونگی عملکرد دولت اردوغان را در این سـال‌ها از او جویا شدیم. توفج آتایکی استاد تاریخ اجتماعی خاورمیانه و آسیای مرکزی، در دانشگاه لیدن و پژوهشگر ارشد در پژوهشکده بین‌المللی تاریخ اجتماعی در آمستردام است. توفج آتایکی سالها مدیریت انجمن اروپایی مطالعات آسیای مرکزی (ESCAS) را به عهده داشت و اینک رئیسـت منتخب دوره آینده انجمن بین‌المللی ایرانشناسی را دارد. او توفج آتایکی کتاب‌های تجدید آمرانه، و نیز «دولت و فرودسـتان» به همت انتشارات ققنوس به زبان فارسی منتشرشده است.

کا در روزها و هفته‌های اخیر بسـیاری اعتراض‌هـای ترکیه را از منظر تقابل دولت سـکولار و دولت مذهبی می‌بینند. ترکیه طی تحولات و تغییرات جدید در فاز تازه‌ای به یک جامعه دوقطبی تبدیل شـده اسـت. از این‌رو بسـیاری اعتراض‌ها را ناشـی از محدودیت‌های بیشـتر بر آزادی افراد و حرکت اردوغان به سـمت تقویت ارزش‌های مذهبی می‌دانند. برای نمونه به قانون منع فروش مشـروبات الکلی از سـاعت ۱۰ شـب به بعد یا قوانین مشابه استناد می‌کنند. شما ریشه این اعتراض‌ها را در چه

ادامه از صفحه ۷

الگو؟ کدام الگو؟

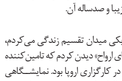

عمر حارمانش
ترجمه: مهرداد امامی

مقصود عدنرئیسی برای خشونت پلیس نیسـت، بلکه توجه به این نکته اسـت که نیروی پلیس ترکیه نیز خود بخشی از یک سیستم اسـت و وسـاینده‌ای از نیروی کار تلقی می‌شود در صحنه‌های خشونت‌باری که طی هفته‌های اخیر شـاهدش بودیم نقش ایفـا کند. گفتن ندارد که در ترکیه نیروهای پلیس نمی‌توانند اتحادیه تشـکیل دهند (این کار غیرقانونی به شـمار می‌آید. بنابراین، مهم اسـت در عین انتقاد به سـیاست‌های عدنت و توسعه، از هم جنبه‌های این فرایند پیچیده پرهیز پیدا کنیم. آنکه بدانیم و معیارهای دوگانه به کار نبریم راسـتش، مثل بسـیار گویای این قضیه مناقشه بر سر ممنوعیت استفاده از رژلب قرمز برای مهمانداران ترکیش ایرلاین است. رسـانه‌ها، به‌خصوص در اروپا این ممنوعیت را بیشـتر پوشش می‌دهند (چون هراس غلـط‌انـدازی بیشـتری می‌افکند) تا تلاش‌های حزب عدالت و توسعه را برای تابودی حقوق قانونی کارگران نخسـتین اقلیت از نظم اجزای شرکـت‌ـش در همان حال که تیمو قوتیل بارسلونا ترش‌ترین حرف مالـی‌اش درخصوص ترکیه را می‌زد، بیـش از ۳۰۰ کارگر این ارتش عراقی به‌خاطر دسـترزن به اعتصاب، حق قانونی‌شان، اخراج شـدند. ولی هیچ‌یک از این خبرها را نمی‌نویسد در رسـانه‌های بین‌المللی پیـدا کنید. روی‌هرفتـه در حالی که نئولیبرالیسـم ترکی، آنگونه که حزب عدالت و توسـعه اجرایش می‌کند، شـیوه محصوص‌به‌خود را دارد، شـکل ویژه قانون‌گذاری در ترکیه امروز هماننـد محصول فرایندهای سـرمایه‌داری جهانی اسـت که نتیجه فرایندهای محلی مربوط به مـانع و تقسـیمات بین‌المللی اسـت. از حالی‌که کشورهای مختلف با پیمانده‌های تاریخی و سیاسـی‌های جزئی قدرت‌های سرمایه‌داری جهانی سـروکار دارند، اعتراضات فرصت‌های جدیدی را پیش‌رویمان می‌گذارند تا نخبه‌گرایی جدیدی را نشـان دهیم که نخسـتین پیوتیـور طلیپـر ترکیه (برای مثال، هم بیوش و هم اردوغان به‌رغـم وضع طبقات مرفه اقتصادی و محافظت از منافع سرمایه‌داری ادعا می‌کنند نماینـدگان عادی مردمانند). در همین اثنا استقلال شعارها و حرفها و حقوق کارگری از همسـو تهدید می‌شود، یا به‌همین هرچند این مسـاله یکی از مشـکلات اساسی نظم نوین جهانی و نئولیبرال اسـت رسانه‌ها و مطبوعات چندان به آن نمی‌پردازند. از آنجا که معترضان این مشـکلات را به دلایل مختلف به جلبان آورده‌اند، اعتراض ایشـان اشکال‌های ارزشـمندی را برای نشـان دادن این فرایند پویا و این پرسـش گشـود که دموکراسی و حقوق فردی و جمعی در نظم جنین نئولیبرال به چه معناسـت.

*** اسلی اینیسر: استاد مطالعات اسلامی و خاورمیانه در دانشـگاه نیویورک اسـت علایق تحقیقاتی و تدریس او شـامل موارد زیر می‌شود: بازنمایی فرهنگی و رتبهٔ فرهنگی، روایت‌های جنگ و جلبه‌پایی و فرآیند پویای نامتجانس‌بودن در دوران متاخر عثمانی و بسـترهای معاصر ترکیه.**

می‌دانید؟ آیا ریشه این اعتراض‌ها را در این تقابل می‌بینید یا دلیل دیگری را برای خیزش امروز ترکها موجه می‌دانید؟

دلایل متعددی برای خیزشی که در چند هفته گذشـته در ترکیه شاهدش بودیم وجود دارد؛ نخسـت اینکه سیاسـت‌های فرهنگی حزب/عدالت و توسـعه، در ۱۰ سال گذشـته به‌تدریج فضای عمومی ترکیه را برای حضور دیگـر فرهنگ‌ها و خردهنگ‌ها، جز فرهنگ حزبی خاص، بسـتن بسـط ارزش‌های اسـلام حنفی، تنگ کرده اسـت. در این زمینـه هم می‌توان به مصوبه‌های دولتی اشـاره کرد که در شکل قوانین موضوعه محدودیت‌هایی برای شهروندان دیگراندیش و دیگر رفتارها پدید آورده و هم حمایت ضمنی از رفتار فرهنگی گروه‌های اسلام‌گرا که خوش‌شان از اسلام همسـاک خوش حراکم اسـت بارتاب این حمایت را نیز اینجا و آنجا در شـکل‌گیری فضای فرهنگی شـهرهای کوچک و محله‌هایی در شهرهای بزرگ می‌توان دید. ترکها خود اخیرا از «افتـار محله» (mahalle baskisi) می‌گفتند در نهادهای دولتی نیز شاهد شکل‌گیری چنین فضای تنگ فرهنگی هستیم در زمینه سازماندهی نیروی کار در نهادهایی که اعضای حزب عدالت و توسعه حضورشان چشمگیرتر اسـت. گستر نشانی از شایسـته‌سالاری داریم و بیشتر تعلق حزبی اسـت که معیار اسـت.

اما به گمانم این خیزش دلایل دیگری نیز دارد از جمله رفتار مسـتبدانه افرادی در حزب عدالت و توسـعه که سرمست از سـه دوره پیروزی پیاپی در انتخابات این کشور درعرصه حکومتداری بیشـتر به خویش‌محوری و به‌کناری رو کردهاند تا نکته بر حزب جمعی آقای اردوغان یا شـخصیت فرهمندشـان (کاریزماتیک) نمونه برجسـته چنین افرادی است. یکی از شعارهایی که در میدان تقسیم معترضان سـر دادند، این بود: «ما حکومت نداریم، اردوغان داریم» گفتنی اسـت در درون حزب عدالت و توسعه نیز کسـانی همسـتند که نگران چنین رفتار مسـتبدانه‌ای‌اند. در جریان اعتراض‌های اخیر از برکشیدگی و افراد عادی حزب‌شان نیز که نبودند که اعتراض به این استبداد به معترضان بپیوندند.

و باز از جمله دلایل دیگر این اعتراض‌ها رویکرد اقتصادی حزب عدالت و توسعه اسـت در ۱۰ سـال گذشـته که با حمایت بورژوازی از سرمایه‌دارانِ آناتولی یا به‌اتن حزب ببعت کردهاند و از حامیان به جد این حزب به‌شمار می‌آیند. نه‌تنها به‌تدریج فضای اقتصادی دیگر اهالی سرمایه را محدود کرده اسـت، بلکه چیـنه‌ادار اینبخشـی را نیز برای بخش‌هایی از کارگران ترکیه و نیز خیل عظیم تهیدسـتان مهاجر به شـهرهای بزرگ باقی نگذاشـته اسـت.

طرفـه اینکه در اعتراض‌های بزرگ گزی نشـانه‌هایی از همـه این عوامل را می‌شود دید. حجل تصمیم به بازسازی میدان تقسـیم می‌گیرد. قرار اسـت مرکز فرهنگی کمال آتاتورک در گوشـه این میدان ویران شود و به‌جای آن مسجدی بعزرگی مساجد بزرگ و مطرح استانبول بنا شود و یادگاری باشد از دوران حکومت حزب عدالت و توسـعه. شـاید هم در آینده نماش مسجد

ما در ترکیه شاهد زایش طبقه اجتماعی بسـی مرفهیم؛ بورژوازی آناتولی که به لطف و حمایت دولت توانسته در حیات اقتصادی ترکیه نقشی چشمگیر داشته باشد و گویا فرار هم نیسـت از این حمایت کاسته شود. اما از سـوی دیگر می‌بینیم گروه‌های تهیدسـت جامعه به اندازه‌ای که شایسـته و بایسـته بوده از این رفاه اقتصادی بهره نگرفته‌اند

اردوغان شود. کسـی چه می‌داند و در گوشه دیگر میدان، یک گزی جایش را به مجتمع بزرگ تجاری بدهد که امتیاز ساختنش را شرکت‌های ساختمانی هوادار حکومت خواهند داشـت. همین جا باکردنی است که از سـنگ عمده اعتراضات ترکیه، ساختوساز، نسـاجی و توریسـم صنعت ساختوسـاز به برکت حمایت شـرکت‌های دولت در این سال‌ها کمتر خودمرزی در تجارتِ دولت‌ها بیشتر شـاخه اسـت. در اعتراض به این طرح گوهی، کوچک از جوانان صدای اعتراض‌شان را بلند می‌کنند. نیروهای انتظامی در پاسخی ناهیچ‌تر به مقابله با معترضان می‌آیند. خشـونت بی‌حد نیروی انتظامی با معترضان مسـالمتی و شـهروندان این کشور را دست‌کم در شهرهای بزرگ، خیـرتزده می‌کنـد. اینجا که ایرادی که به برکت مالیات شـهروندان برای نگهبانی از حقوق‌شان شکل یافته، اینچنین سـعاته حقوق‌شان را پایمال می‌کند. دفاع از فردیت و کرامت انسانی، هزاران نفر را با خواسـت‌های گونه‌گون و تلفیـناشده

ما در روزها و هفته‌های اخیر بسـیاری اعتراض‌هـای ترکیه را از منظر تقابل دولت سـکولار و دولت مذهبی می‌بینند. ترکیه طی تحولات و تغییرات جدید در فاز تازه‌ای به یک جامعه دوقطبی تبدیل شـده اسـت. از این‌رو بسـیاری اعتراض‌ها را ناشـی از محدودیت‌های بیشـتر بر آزادی افراد و حرکت اردوغان به سـمت تقویت ارزش‌های مذهبی می‌دانند. برای نمونه به قانون منع فروش مشـروبات الکلی از سـاعت ۱۰ شـب به بعد یا قوانین مشابه استناد می‌کنند. شما ریشه این اعتراض‌ها را در چه

ادامه از صفحه ۷

تشکیک در الگوی رفتار سیاسی ترکیه

گفت‌وگو با تورج اتابکی درباره خیزش مردم ترکیه

این تجمع را ممنوع اعلام کرد و با خشـونتی تلویحی بر هم زد. دقیقا ۶۱ روز پس از درگیری‌های روز جهانی کارگر، مردم ترکیه در ترافجرایی که در شـهر هاتای اتفاق افتاد یکی از خونین‌ترین اتفاقات تاریخ خود را تجربه کردند که دولت اردوغان عملکرد مسوولانه‌ای در قبال این جریان نشان نداد. در پی این اتفاق جنبش رادیکال و جپ دانشجویی ترکیه اعتراض‌های روز جهانی کارگر، مردم ترکیه در ترافجرایی به اوج آغاز کرد که با اعتراض‌های شدید مردم هر سال در ادامه وفاداری به ۷۶ در میدان تقسـیم جمع می‌شدند. اما امسـال دولت اردوغان

در میدان می‌آورد. اردوغان یک‌نتاژاله اردوغان خود را نمایندهٔ اکثریت رای‌دهندگان می‌داند که از صندوق آرا بیرون آمده است بدون اینکه به پاد داشته باشند که مردمسالاری، نتیجهٔ حکومت اکثریت مردمان نیست، بلکه نگاهبانی از حقوق اقلیت، بخش جدایی‌ناپذیر از مردمسالاری است. در کنار مخالفان حزب عدالت و توسعه، شماری از اعضا و هواداران این حزب نیز در کنار معترضان می‌آیستند و ناخرسندی‌شان را از رفتار یک‌نتاژاله اردوغان نشان می‌دهند.

با این حسـاب، تا چه حد تشـکیل گزی اعتراض‌های فعلی را متوجه با سیاست‌های اقتصادی ترکیه مبتنی بر نظام اقتصاد آزاد و پیوستن به بازار جهانی می‌دانید؟ شما نقش سیاست‌های اقتصادی دولت اردوغان را یک بخش از بازار اتفاقات اخیر ترکیه می‌دانید یا آن را نسبت به دلایل دیگر پررنگ‌تر می‌بینید؟

جای تردید نیسـت که حکومت حزب عدالت و توسـعه - البته با تاکید بر نقش آقای اردوغان - در حوزه نوین‌کشـیدن ترکیه از وضعیت اسـفبار اقتصادی پیشین و جاری کردن رشد اقتصادی ترکیه در چند دهه‌ی اخیر نقش بسـیار مثبتی ایفا کرده است. اما را نبیستیم این دستاورد یادکردنی است. اما اعتراض‌های مردم هم در شـکلی بسـیار گسـترده در ترکیه برایم، از این رشـد اقتصادی بهره نبرده‌اند. از جمله هزینه فزاینده زندگی یا افزایش دسـترسدها خوانایی نداشـته است. این سیاسـت‌گذاری اقتصادی نه‌تنها بودجهای گروه‌های تهیدسـت جامعـه را تهدید می‌کنـد، حتی بخش‌هایی از طبقه متوسـط شهرنشین را نیز نگران کرده است. در شهرهای بزرگ ترکیه، از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب این تهدید و نگرانی بیشتر به چشم می‌خورد.

تحلیل دیگری، شورش ترکها را به سال‌ها سرکوب فعالان سیاسی، کردها، روشنفکران - که ترکیه را به بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران جهان تبدیل کرده اسـت - و همچنین سرکوب جنبش‌های کارگری که (به زعم بسـیاری کارگر نیز در اتیه سـرکوب بزرگداشت مراسم اول مه ۱۹۷۶ بود) و در کل نارضایتی بوید می‌زند و آن را نشانت نارضایتی‌هایی می‌داند که در چندین دهه شکل گرفته و به‌یکباره سر باز کرده و در کنار مجموعه عواملی قرار می‌گیرد که شـما بررسـی کردید. ارزیابی‌تان در این مورد چیسـت؟

همان‌گونه که در آغاز این گفت‌وگو اشـاره کردم، ترکیه جامعه‌ای اسـت چندصدایی و متکثر. گروه‌ها و طبقات اجتماعی، قومی، مذهبی فرهنگی و اقلیت‌خواهی همچنان در عرصه سیاسـت ترکیه، مطرح مانده اسـت. در این ۶۰سال اتحادیه‌های کارگری گویه‌گونی یا گرایشات سیاسـی و صنفی متفاوت شـکل گرفته که با دسـترس به اعتصابات و تظاهرات و نیز دیگر اشـکال مبارزه خواسـته‌های شـهروندان را برای برخورداری از رفاه بیشتر نشـان داده‌اند. گزارمباشت اول مِی (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، برای اتحادیه کارگری ترکیه همواره مدنا بگذاشی کارگران این کشور برای مبارزه به خاطر بودوباشی بهتر بوده اسـت. اما واکنشت حکومت‌ها چه آنکه ای که یی کودتاها آمدند و چه آنکه از صندوق رای برآمدند، در قبال این جنبش همواره واکنشی پذیرا نبوده اسـت. گاه حتی نگران از بسط جنبش اعتراضی کارگری، حکومت‌ها به خشن‌ترین صورت واکنشی نشـان دادهاند و از به خاک‌کشاندن این جنبش نیز ابایی نداشـته‌اند. در همین راستا، بر همان طور که اشـاره کردید در یک مورد هم تظاهرات اول مِی را در میدان تقسـیم به خون کشـاندند. واکنش حزب‌عدالت و توسـعه در قبال حرکت اعتراضی کارگری نیز از این قاعده مسـتثنا نبوده. حزب عدالت و توسـعه همچنان که اشاره کردم خواسـتار نوعی احضار در به نظم‌کشاندن رفتار سـیاسی شهروندان گردیده است.

با این حساب شما بر این باورید که در تسخیر میدان تقسیم و خیزش مردم ترکیه، نمی‌توان مستبعدا از گرایشـات چپ و راسـت، سکولار و اسلام‌گرا... در نزد معترضان استفاده کرد.

همان‌گونه که پیش‌تر اشـاره کردم، در آغـاز این اعتراض نزدیک به ۵۰ جوان پیشـگام اعتراضی بودند زیسـت‌محیطی، اما این اعتراض‌ها خیلی زود به حرکتی فراگیر و در سطح ملی تبدیل شد. وجه مشترک همه معترضان دروافق ناخوانایی با جریان حاکم و عدم‌رضایت‌شان از عملکرد حزب عدالت و توسعه و رفتار سیاسی رجبری حزب، آقای اردوغان، بود. به گمان من به خطا رفته‌ایم اگر فکر کنیم این اعتراض، اعتراضی تکعمدا بوده است.

بر این اساس سازمان‌های سیاسی، احزاب، سندیکاها و تشکل‌های از این دست چه نقشی در اعتراض‌های کنونی داشته‌اند؟ اعتراض‌ها تا چه حد خودجوش یا سازمان‌یافته بوده است؟

از یی این اعتراض‌ها احزاب سنتی ترکیه مثل حزب جمهوریخواه خلق یـا حزب حق و آزادی یا حزب دموکراتیک چپ اساسـا درگیر نبودند. این حرکت سیار شوند. اما تلاش این احزاب تاکنون آمدن از آن بود که متصور می‌شـد از سوی دیگر اتحادیه‌های کارگری، کارمندی و دانشجویی نیز تلاش کردند تا در بسـتر این اعتراض‌ها خواسـت‌های خود را بیان کنند که کردند. گروه‌های زنان، گروه‌ها و قومیت‌های دیگر نیز همین‌طور.

با از نظر شما وقایع ترکیه به کدام یک از جنبش‌های اخیر شبیه است؟ آیا باید آن را در بلحاظ مطالبات و چه بلحاظ ریشه‌های شکل‌گیری، در ادامه جنبش‌های جهان عرب دانست یا جنبش اشغال وال‌استریت و اعتراض‌های گسترده اروپایی همچون یونان و اسپانیا و بلغارستان و ...؟ یا اعتراض‌های گزی؟

مطمئنا میان اعتراض‌های ترکها با وال‌استریت یا بهار عربی یا آنچه در برزیل، روسیه، اسپانیا و یونان و بلغارستان و جاهای دیگر پیش بوده و همه می‌توان شـباهت‌هایی یافت. به‌گمانم آنچه موجب ریزش مردمان و بهویژه جوانان به خیابان‌ها شـد تنها و تنها به خولت اقتصادی آنان برنمی‌گشـت. مسالهای که بهجد مطرح بود و هسـت و در واقع فضل مشـترک بسـیاری از این جنبش‌هاسـت همه‌اصابت از کرامت انسانی بود و هسـت. به‌گمانم این بخشی از خولت‌های فروخفته‌ای اسـت که در این فضل مشـترک می‌توان به آن اشاره کرد. البته نکته دیگری نیز باید اشاره شـود کهن جهان ما اینک در قیلی با ۳۰ یا ۴۰ سـال پیش از نظر اقتصادی تحولات چشمگیری را پشـتسر گذاشـته اسـت. کشـورهای قفبر دیروز نظیر هند، چین، برزیل، ترکیه و... اینک قدرت‌های مطرح اقتصادی روزند. اگر به شـمار ۲۰حتـی مطرح پیشرفته اقتصادی جهان (G۲۰) نگاه کنیم، نام ترکیه را در میان این گروه از کشـورها می‌بینیم. اما پرسـشی که همیشـه مطرح بوده و هسـت اینکه آیا در این رشـد شتابان جمهور مردم این کشورها به گونه‌ای بسامان و بایسـته توانسـته‌اند از این رشـد و شـکوفایی اقتصادی بهره ببرند؟ یا اینکه این جوامع بیشتر به سمت دو قطبی‌شدن پیش رفته‌اند؟ آنچه در روسـیه و یی فروپاشی اتحاد جماهیرشوروی دیدیم شاید نمونه‌ای برجسـته از این فرآیند باشد. فرآیندی که در آن می‌توان نشانی از همسـویی و شباهت میان بسیاری از این کشـورها یافت. در حال حاضر ما در ترکیه شاهد زایش طبقه اجتماعی بسی مرفهیم؛ بورژوازی آناتولی‌ای که به لطف و حمایت دولت توانسـته در حیات اقتصادی ترکیه نقشی چشمگیر داشته باشد و گویا فرار هم نیسـت از این حمایت کاسـته شود. اما از سـوی دیگر می‌بینیم گروه‌های تهیدسـت جامعه به اندازه‌ای که شایسـته و بایسـته بوده از این رفاه اقتصادی بهره نگرفته‌اند.

با پس از شـروع خیزش‌هـای مردمی در جهان عرب موسـوم به «بهار عربی»، بسـیاری ترکیه را الگوی مناسـبی برای نحوه حکومتداری معرفی می‌کردند و آن را نشـانه همزیسـتی افکار و عقاید گوناگون در کنار هم می‌دانسـتند. حالا که ترکیه خود نیز دسـتخوش گردباد اعتراض‌های مردمی شده «مثـبت آمنین» اردوغان چندان تفاوتی با «مثبت آهنین» روسای دیگر کشورهای منطقه نظیر مبارک، قذافی و اسد ندارد. آیا وقاعا ترکیه الگوی مناسـب حکمرانی برای کشـورهای خاورمیانه اسـت؟ می‌توان از چند شاخصه برای تعریف و تبیین ماهیت سیاسی دولت فعلی ترکیه نام برد که برای بحث ما بسـیار مهم اسـت؟ این شاخصه‌ها تا چه میزان در نادیده‌گرفتن کاستی‌های ترکیه امروزی که خود را وامدار و میراث‌دار دولن آتاتورک می‌داند، نقش دارد؟

شاید بهتر باشد نخست به واکاوی شـاخه‌های توسـعه سـیاسی‌ای نشـت آن امپراتوری یعنی رعایا را حقوقی تعریف‌شـده برخوردار بودند. اما در دولت-ملت نوساخته ترکیه پاره‌ای از این حقوق نادیده گرفته شد و به ساید رفت. ترکیه ملتی نوپدید را به نام ملت ترک به جای رعیت عثمانی نشاند و تنها ایسـتی و زبانی و فرهنگ و زبانی را بنوانفت و این خود در تقابل با جل‌مایه تحدید بود چراکه تحدید پیش وپیش از همه بر فردیت و خودمختاری فردی تکیه و تأکید دارد. هر چند فرایند نوسازی که در سـه دهه نخسـتین تاریخ جمهوریت ترکیه در این کشور جاری بود دسـتاوردهای چشمگیری به همراه داشت، اما در این دولن تحدید با مدرنیته همگام نوسازی با مدرنیتسـوس پیش نرفت.

به عنوان سـوال آخر، حالا که مدنی از اعتراض‌های ترکها می‌گذرد و در نظر آرامشـی نسـبی عایدست شده، فرجام این اعتراض‌ها را چگونه می‌بینید؟ این اعتراض‌ها چه تاثیری در صحنه سیاسـت ترکیه، چه از منظر دولت و چه از منظر مردم، خواهد داشت؟

پرسش بسـیار بجایی اسـت و اجازه دهیـد آن را به پرسش نخسـتین‌تان پیوند بزنم. شـما با اشاره به اعتراض‌های بزرگ گزی این گفت‌وگو را آغاز کردید و بعد به مناسـبت اعتراض‌های اخیر ترکها به بهار عربی و تسـخیر والاسـتریت و بزریل و دیگر کشـورها پرداختید. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم وجه مشترک اعتراض‌هایی که در یکی، دو سـال گذشـته نوشـی، مصر، آمریکا، سـوریه و ترکیه را در برگرفته و تا بزریل و بلغارسـتان و روسـیه رسـیده اسـت، با حرکت جمشـگیر بخش‌های شـهرنشین طبقه متوسط برای بسـط عدالت اجتماعی و در پیوند با حفظ کرامت انسـانی آغاز شـد و خیلی زود طبقات و اقشار فرودسـت و تهیدسـت را بهمیدان آورد. خولت دانشـتن جامعه‌ای مرفـالار در این اعتراض‌هایـار چشمگیر بود و هسـت. اما این اعتراض‌ها سر آن ندارند که به انقلاب برسـند. دسـتاورد این اعتراض‌ها نوانسـتندشن هر چه بیشتر جمهور مردم اسـت و به‌ویژه به گسـترش نوزایش بازار موجب نگرانی مردم در مدارز دسـتان گذشـته، فرهنگ و محیط‌زیسـت توجه شده اسـت. اگر مارکس نزدیک به ۱۵۰سال پیش نابودی محیط‌زیسـت جهان هسـتیم را پیش‌بینی کرده بود، امروز به‌خوبی و پیش از همیشـه این تناقضات بنیادین در نوین‌ترین و غریان‌ترین شـکل هجوم سـرمایه‌داری به طبیعت و انسان یعنی نئولیبرالیسم ظاهر می‌شـود. همچنین همیشه پیامدهای چنین سیاست‌هایی با سرکوب همراه است.

آنا و نتایج پیامدهای برنامه‌های بازار آزاد را فقط در اقتصاد ترکیه نمی‌توان دید. ارزش‌های بازار و منطق صـود، خود را به حوزه فرهنگ و دیگر حوزه‌هاتیز می‌کشاند. این روزها همگام با بسـیاری دیگر از جوانان به جنبش خیزش اعتراب، اعتراضات ضدکوصنی در یونان، جنبش «اشغال» در اروپا و آمریکا و اعتراضات اخیر در بزریل و بلغارسـتان، مردم ترکیه با حضور خود در میدان تقسـیم دوگانه انتخاب بین نئولیبرالیسم آمریکایی و حکومت اتجاعیـد اما این حضومت با بهبود عمومی اسـتانداردهای زندگی کنترل می‌شد در عین حال اما انتظارات بالاتری ایجاد شد که همگی بعد آنها محکم نبود. اکنون که رشـد اقتصادی به شـدت کاهش می‌یابد، تمام تناقضات رو آمدهاند.

ادامه از صفحه ۷

ترکیه قدیم، ترکیه جدید